

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم که امام (رضوان الله علیه) فرموده اند: يك شيء واحد، مي تواند به دو عنوان، متعلق براي حب و بغض واقع شود و استدلالشان اين بود که، حب و بغض مانند سواد و بياض نيست، از اعراض حاله و قائمه به موضوع خارجي نيست و اين را توضيح داديم.

حل مسئله اجتماع مصلحت و مفسده

اما آنچه که مهم است، مسئله مصلحت و مفسده است. کساني که مي خواهند قائل به جواز اجتماع امر و نهي شوند، بايد مسئله مصلحت و مفسده را حل کنند. اگر بتوانند مسئله مصلحت و مفسده را، مثل مسئله حب و بغض قرار دهند و از اين راه حل کنند، ديگر مشکلي در مسئله اجتماع امر و نهي باقي نمي ماند.

اين مبنا، مبناي معروف بين اماميه است که، احکام تابع مصالح و مفاسد است، در هر جا يك امر و وجوبي در کار باشد، بايد يك مصلحتي هم در کار باشد و در هر جا حرمتي در کار باشد، بايد مفسده اي هم در کار باشد.

در ذهن شريفتان هست که، در اوامر امتحانيه بيان مي کنند که، مصلحت در خود انشاء و جعل است، اما در ساير موارد، يعني در اکثر مواردی که امر يا نهي داريم، تعبير مشهور اين است که، مصلحت و مفسده در متعلق وجود دارد. متعلق وجوب عبارت از صلاه و متعلق نهي عبارت از غصب است و در اين متعلق ها مصلحت و مفسده وجود دارد.

گاهي اوقات در برخي تعبيرات و کلمات، مي گويند که: مصلحت و مفسده در خود فعل وجود دارد و اين فعل داراي مصلحت است.

در بحث ملازمه بين حکم عقل و شرع، اينطور بيان مي کنند که، عقل حسن ذاتي فعلي را ادراك مي کند و ادراك مي کند که در اين فعل، ملاک مصلحت تامه و ملزمه وجود دارد، لذا عقلاً لزوم اتيان دارد. آنوقت روي ملازمه بين حکم عقل و شرع، بايد از نظر شارع هم، اين عمل واجب باشد.

در کلمات فقهاء و اصوليين، غالباً اينچنين تعبير مي کنند که، ملاک در متعلق است و گاهي هم مثل همين بحث ملازمه، تعبير مي کنند که، ملاک در خود فعل خارجي است. اما اين بحث در اصول، به صورت منقح، روشن و مستقل، بحث نشده است.

مصلحت و مفسده هم مثل حب و بغض است

در بحث جواز اجتماع امر و نهي امام(ره) فرموده‌اند که: مصلحت و مفسده هم، مثل حب و بغض مي‌ماند و چيزي که عارض بر اين موضوع خارجي شود، نيست. لذا فرموده‌اند: اين به وجوه و اعتبارات، مختلف مي‌شود، مثلاً در «ضرب اليتيم»، اگر به عنوان تاديب باشد، مصلحت دارد و اگر به عنوان اِذاء باشد، مفسده دارد. يا مثلاً در تصرف در مال غير، اگر مع اذن الغير باشد، اشکالي ندارد، اما اگر بدون اذن غير باشد، «لا يجوز».

بگويم: اصلاً اين فعل خارجي، ذاتاً تحمل مفسده و مصلحت را ندارد، هيچ فعلي را نيست که ذاتاً، چنين چيزي درش وجود داشته باشد.

طبق اين فرمايش امام(ره)، مصلحت و مفسده، هيچگاه در حقيقت يك فعل خارجي وجود ندارد، بلکه بايد ببينيم که اين فعل، تحت چه عنواني داخل مي‌شود، تا به اعتبار آن عنوان، مسئله مصلحت يا مفسده تحقق پيدا کند. لذا فرموده‌اند: مانعي ندارد که يك فعل خارجي، به اعتبار اينکه عنوان صلاه بر او مترتب است، داراي مصلحت و به اعتبار اينکه عنوان غصب بر او مترتب است، داراي مفسده باشد.

روي بياني که ايشان فرموده‌اند، نتيجه اين مي‌شود که، اجتماع مصلحت و مفسده در شيء واحد، به دو اعتبار هيچ اشکالي ندارد.

تحليل فرمايش امام(ره) مبتني بر دو مطلب اساسي

در تحليل فرمايش ايشان، بايد چند مطلب را متعرض شويم؛ يك مطلب همين است که برخي آقايمان اشاره کردند که، اين بيان مبتني بر اين است که، حسن و قبح ذاتي نداشته باشيم. در بحث حسن و قبح، قائل شويم به اينکه، حسن و قبح اشياء «انما هو بالوجوه و الاعتبارات». اصلاً نمي‌توانيم بگويم: در حقيقت يك شيء، حسن يا قبح وجود دارد. عقل ادراك نمي‌کند که، در ذات اشياء حسن و قبح باشد. بايد ببينيم اين شيء و فعل، تحت چه عنواني مي‌آيد، که به اعتبار آن عنوان، مسئله حسن و قبح را مطرح کنيم.

مرحوم صاحب فصول(ره) اين مبنا را دارد و ظاهراً مرحوم محقق اصفهاني(ره) هم در حاشيه کفايه، همين مبنا را دارند که، اصلاً حسن و قبح ذاتي، يعني اين عمل، صد در صد در آن حسن است يا در ذات اين عمل، صد در صد قبح است، نداريم. حسن و قبح ذاتي را به طور کلي کنار گذاريم و بگويم: حسن و قبح اشياء بالوجوه و الاعتبارات است.

مطلب دوم اين است که؛ گاهي اوقات در برخي کلمات اصوليين مي‌بينيم که مي‌گويند: مصلحت ملزمه، يا به جاي آن به مصلحت راجحه تعبير مي‌کنند، مسئله مصلحت راجحه و ملزمه يا مفسده مرجوحه، در فرضي است که مسئله مصلحت و مفسده را در خود شيء بررسي کنيم. يعني فعل در مقام تاثير، از حيث رجحان و عدم رجحان، در ذاتش اينچنين است. گاهي اوقات فعلي هفتاد درصد مصلحت و سي درصد مفسده دارد، هشتاد درصد مصلحت و بيست درصد مفسده دارد، که اين مصلحت راجحه و ملزمه مي‌شود. برعکس گاهي اوقات برخي از اشياء هشتاد درصد مفسده و بيست درصد مصلحت دارد.

اين کسر و انگار در باب ملاکات است و اينکه بگويم: مفسده ملزمه راجحه يا مرجوحه، مصلحت ملزمه راجحه يا مرجوحه، مربوط به جايي است که، مسئله مصلحت و مفسده را در خود فعل پياده کنيم. اگر گفتيم که: مصلحت و مفسده و حسن و قبح مربوط به آن عناويني است که، عارض بر اين فعل مي‌شوند، ديگر فرقي نمي‌کند و معنا ندارد که بگويم: اين مصلحت رجحان بر آن مفسده دارد، يا نسبت به آن مفسده مرجوح است.

دو فعل خارجي اگر داشته‌باشيد، هيچ وقت مصلحت يکي از اين دو فعل مستقل خارجي، بر ديگري رجحان ندارد و اصلاً مسئله

کسر و انکثار در آن معنا ندارد.

در اینجا هم همینطور، اگر مسئله مصلحت و مفسده را خارج از ذات فعل مطرح کردیم، دیگر مسئله رجحان و مرجوحیت مطرح نمی‌شود. خود فعل دارای دو عنوان هست و این دو عنوان، مرکب برای مصلحت و مفسده است، خودش موضوع برای حسن و قبح است.

می‌خواهیم عرض کنیم که این فرمایش امام(ره)، مبتنی بر این دو مطلب اساسی است؛ یک مطلب اینکه حسن و قبح در خود افعال و اشیاء نداریم و بالوجه و الاعتبارات است. دوم اینکه بحث مصلحت راجحه و مفسده مرجوحه، اصلاً روی این مبنا معنا ندارد و نمی‌توانیم نسبت سنجی کنیم و بگوییم: مصلحت یکی بر دیگری رجحان دارد یا ندارد.

این قسمت دوم برای این است که، در صلاه در دار غصبی، نمی‌توانیم بگوییم: آیا مصلحت صلاتیت بیشتر است یا مفسده غصبیت؟ هر چه باشد اصلاً بگوییم: صلاه در دار غصبی از نظر مصلحت بیست درصد و حرمت الغصب نود درصد است، اما جمعشان مانعی ندارد، یعنی هم آن مصلحت بیست درصد را اتیان می‌کنیم و هم آن مفسده راجحه در حرمت را انجام می‌دهیم، اصلاً نباید بین اینها نسبت سنجی کنیم.

آثار مترتب بر قبول این دو مطلب

پس این فرمایش امام(ره) بر این دو مطلب اساسی استوار است. اگر این دو مطلب را قبول کردیم، - که در جای خودش باید بحث شود - یعنی گفتیم: حسن و قبح ذاتی نداریم و حسن و قبح بالوجه و الاعتبارات است، آنوقت می‌توانیم بگوییم: مسئله مصلحت و مفسده، مثل مسئله حب و بغض است.

همانطوری که حب و بغض عارض بر این شیء خارجی نمی‌شود و مانند سواد و بیاض نیست، مصلحت و مفسده هم، به دو عنوان همینطور است، به یک عنوان می‌تواند مصلحت داشته باشد، چون مسئله مصلحت در ذاتش نیست و به یک عنوان هم مفسده داشته باشد.

طبق این بیان، آثار مختلفی بر آن مترتب است؛ در بحث تداخل اسباب، کسی که یک غسل واحد را به ده نیت انجام می‌دهد، کسی که یک حج مستحبی را به ده نیت یا از طرف ده نفر انجام می‌دهد، چون حج مستحبی نیایی را می‌شود از طرف صد نفر انجام دهد، یک عمل واحد است، اما به اعتبار هر عنوانی، خودش یک مصلحت خاص پیدا می‌کند.

گاهی اوقات گفته می‌شود: یک عمل واحد است و مصلحت ذاتی خودش را دارد و این مصلحت ذاتی، قابلیت این را دارد که، برای یک نفر انجام شود، شارع هم صوابش را به یک نفر دهد.

اما اگر گفتیم: مسئله مصلحت در ذات این عمل نیست، بلکه به آن وجه و عنوانی است که بر آن مترتب می‌شود، حالا این در مورد موضوع است، چون اشخاص عنوان موضوع را دارند، در خود اغسال دیگر، کاملاً عنوان متعلق را دارد، یعنی یک غسل، هم «متعلق لغسل الجمعة»، هم «لغسل الجنابه»، هم «لغسل المسح المیت» و هم برای سایر اغسال دیگر، به اعتبار هر عنوانی، مصلحت خاصه همان عنوان، بر آن مترتب می‌شود.

فعل، یک فعل واحد است، اگر نیت غسل مسح میت را کردید، به اعتبار اینکه مصداق برای این عنوان می‌شود، آن مصلحت لزومیه مربوط به غسل مسح میت را محقق کردید و به اعتبار اینکه مصداق برای غسل جمعه می‌شود هکذا، مصداق برای غسل زیارت می‌شود هاکذا.

تفاوت این دو دیدگاه

این مبنا که اگر بگوییم: حسن و قبح در ذات اشیاء نیست، بلکه بالوجوه و الاعتبارات هست، مصلحت و مفسده هم همینطور است و بالوجوه و العناوین و الاعتبارات می‌شود. لذا دیگر مشکلی به وجود نمی‌آید و اجتماع امر و نهی جایز می‌شود.

اما اگر يك كسي گفت: يك نوع حسن و قبح اعتباري داریم، اما يك نوع حسن و قبح ذاتي هم داریم، به این معنا که در ذات این عمل، با قطع نظر از هر عنوانی که بخواهد بر آن مترتب شود، مصلحت وجود داشته باشد، آنوقت عقلاً مسئله اجتماع مصلحت و مفسده در شيء واحد را نمی‌توانیم بپذیریم. عقل نمی‌تواند بگوید: يك شيء واحد خارجي، هم دارای صد در صد مصلحت و هم صد در صد مفسده است، هم دارای مصلحت ملزمه وجوبیه و هم مفسده ملزمه تحریمیه است.

این خلاصه این مطلب راجع به مصلحت و مفسده که عرض کردیم. بحث اصلي و اساسیش باید در بحث حسن و قبح مطرح شود. آن مقداری که اجالتاً می‌شود بیان کرد این است که، حق با مثل مرحوم امام، صاحب فصول و اصفهانی (قدس سرهم) است، که، حسن و قبح اشیاء بالوجوه و الاعتبارات است. در ذهنم است که در بعضی از مباحث سابق هم يك اشاره‌ای به این مطلب داشتیم.

پس بحث اجتماع امر و نهی از نظر مصلحت و مفسده هم مشکلی ندارد. فقط يك مطلب، مسئله مقربیت و مبعدیت باقی می‌ماند که آن را فردا عرض می‌کنیم ان شاء الله.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ